

## نوآوری اجتماعی؛ وقتی «مردم» بخشی از «راه حل» می شوند

طرح «خیرآب» در بخش دوم روایت خود، از احیای یک برکه فراتر می رود و با تکیه بر مشارکت مردم، دانش بومی و فناوری، مدلی از نوآوری اجتماعی برای مدیریت پایدار آب در جنوب کشور ارائه می کند.



صفحه ۲

# دختران مانا

صفحه ۲

آموختند منتظر نمانند؛ همین، همه چیز را تغییر داد. چند دختر نوجوان در روستای گیاهدان، با آنچه از یک کلاس مشارکت اجتماعی آموخته بودند، خانه های متروک را به «خانه مانا» تبدیل کردند و نشان دادند گاهی بزرگ ترین تغییرها، از اراده چند نوجوان آغاز می شود.



صفحه ۴

روز خبرنگار و سرنوشت وعده ها

صفحه ۴

گفت و گو با علیرضا احدی از چهره های تاثیر جزیره



### زنان جزیره؛ سرمایه ای برای آینده

فاطمه پیوسی؛ کارشناس ارشد روان شناسی، پژوهشگر و نویسنده | گاهی در ادبیات توسعه، معمولاً از اقتصاد، اشتغال و زیرساخت سخن گفته می شود؛ اما روان شناسی اجتماعی بر یک اصل مهم تاکید دارد: هیچ جامعه ای بدون سلامت روان و روابط انسانی سالم، به توسعه ای پایدار دست نخواهد یافت. از همین رو، سرمایه گذاری بر زنان، تنها حمایت از نیمی از جمعیت نیست، بلکه سرمایه گذاری بر آینده خانواده و جامعه است. نظریه دلبستگی جان بالبی نشان می دهد کیفیت روابط اولیه، احساس امنیت، اعتماد و شیوه ارتباط افراد را در سراسر زندگی تحت تاثیر قرار می دهد. همچنین آبرت بندورا در نظریه خودکارآمدی بیان می کند افرادی که توانایی اثرگذاری بر زندگی خود را باور دارند، در حل مسئله، مدیریت هیجان و تصمیم گیری موفق تر عمل می کنند. این یافته ها درباره زنان اهمیت ویژه ای دارد؛ زیرا سلامت روان و احساس کارآمدی آنان، کیفیت رابطه زوجین، شیوه فرزندپروری و امنیت هیجانی خانواده را به شکل...

صفحه ۲

### پیشنهاد هفته

#### توسعه روستاها با شاخص محرومیت

مغستان | توسعه زمانی معنا پیدا می کند که همه مناطق از فرصت های آن بهره مند شوند. در شهرستان قشم، هرچند طی سال های گذشته پروژه های عمرانی و خدماتی متعددی اجرا شده، اما همچنان تفاوت محسوسی میان سطح برخورداری برخی روستاها از زیرساخت ها و خدمات عمومی وجود دارد. این تفاوت ها، اگرچه ممکن است دلایل مختلفی داشته باشد، اما در بلندمدت می تواند به نابرابری در کیفیت زندگی، مهاجرت، کاهش فرصت های اقتصادی و احساس بی عدالتی منجر شود.

واقعیت این است که توسعه روستایی تنها به اجرای چند پروژه عمرانی محدود نمی شود. دسترسی به آب پایدار، راه مناسب، فضاهای آموزشی و فرهنگی، خدمات درمانی، اینترنت، امکانات ورزشی، حمل و نقل و فرصت های اشتغال، همگی شاخص هایی هستند که کیفیت زندگی در یک روستا را تعیین می کنند. بنابراین تصمیم گیری درباره محل هزینه کرد اعتبارات نیز باید بر پایه داده های دقیق و نیازهای واقعی هر منطقه انجام شود.

پیشنهاد مغستان، تدوین «شاخص محرومیت روستاهای قشم» و توزیع بخشی از اعتبارات توسعه ای بر اساس این شاخص است. در این الگو، هر روستا با معیارهایی مانند جمعیت واقعی...

صفحه ۲



## «یادداشت هفته»

...مستقیم تحت تاثیر قرار می‌دهد.

زنان و دختران جزیره قشم در سال‌های اخیر، در عرصه‌های علمی، پژوهشی، آموزشی، فرهنگی و کارآفرینی حضوری مؤثر داشته‌اند و این ظرفیت ارزشمند، بخشی از سرمایه اجتماعی جزیره است. با این حال، توسعه زمانی پایدار خواهد بود که در کنار رشد علمی و اقتصادی، آموزش مهارت‌های ارتباطی، ارتقای سواد هیجانی و حمایت از سلامت روان نیز مورد توجه قرار گیرد.

در تجربه پژوهشی خود بارها دیده‌ام که بسیاری از تعارض‌های خانوادگی، نه از نبود علاقه، بلکه از ضعف در گفت‌وگو، ناآگاهی از نیازهای هیجانی و ناتوانی در مدیریت تعارض ناشی می‌شود. از این‌رو، توانمندسازی زنان را نباید تنها در اشتغال یا تحصیلات خلاصه کرد؛ توانمندسازی واقعی زمانی شکل می‌گیرد که زنان از دانش، خودآگاهی، تاب‌آوری و مهارت ساختن روابط سالم برخوردار باشند.

توسعه پایدار، پیش از آنکه در آمارهای اقتصادی دیده شود، در کیفیت روابط انسانی آغاز می‌شود و زنان، یکی از مهم‌ترین معماران این آینده هستند.



## «پیشنهادهای هفته»

...میزان دسترسی به خدمات، وضعیت زیرساخت‌ها، فاصله از مراکز خدماتی، نرخ بیکاری، ظرفیت‌های اقتصادی و سایر شاخص‌های توسعه ارزیابی می‌شود و اولویت تخصیص منابع نیز بر همین اساس تعیین خواهد شد.

انتشار عمومی این شاخص، علاوه بر افزایش شفافیت، به مدیران کمک می‌کند تا تصمیم‌های خود را بر مبنای اطلاعات قابل اندازه‌گیری اتخاذ کنند و مردم نیز بدانند اولویت اجرای پروژه‌ها بر چه اساسی تعیین شده است. چنین رویکردی، رقابت برای جذب اعتبار را از فضای سلیقه‌ای خارج کرده و به فرآیندی عادلانه و مبتنی بر شواهد تبدیل می‌کند.

در قشم، اعتبارات توسعه روستایی از دو مسیر اصلی، یعنی بودجه‌های عمرانی که از طریق کمیته برنامه‌ریزی فرمانداری توزیع می‌شود و پروژه‌ها و منابع توسعه‌ای سازمان منطقه آزاد، تامین می‌شود. اگر هر دو مجموعه، شاخصی مشترک و شفاف را مبنای اولویت‌بندی پروژه‌ها قرار دهند، منابع محدود بیش از گذشته به سمت رفع واقعی‌ترین نیازهای روستاها هدایت خواهد شد و از پراکندگی یا همپوشانی در اجرای پروژه‌ها نیز کاسته می‌شود. تخصیص بودجه بر پایه شاخص محرومیت، به معنای تقسیم نابرابر منابع نیست؛ بلکه به این معناست که هر منطقه متناسب با میزان نیاز و سطح برخورداری خود سهم بگیرد. شاید اکنون زمان آن رسیده باشد که در کنار برنامه‌ریزی‌های سالانه، «شاخص محرومیت روستاهای قشم» به یکی از مبنای تصمیم‌گیری در کمیته برنامه‌ریزی فرمانداری و سازمان منطقه آزاد تبدیل شود؛ اقدامی که می‌تواند هم اثربخشی اعتبارات را افزایش دهد و هم مسیر توسعه متوازن روستاهای جزیره را هموارتر کند.

## دختران مانا

آموختند منتظر نمانند؛ همین، همه‌چیز را تغییر داد. چند دختر نوجوان در روستای گیاهدان جزیره قشم، با آنچه از یک کلاس مشارکت اجتماعی آموخته بودند، خانه‌های متروک را به «خانه مانا» تبدیل کردند و نشان دادند گاهی بزرگ‌ترین تغییرها، از اراده چند نوجوان آغاز می‌شود.



آماده می‌کردند و کتاب‌ها را می‌چیدند؛ گویی در میانه روزهای سخت، مشغول ساختن روزهای بهتری برای کودکان روستا بودند.

با پایان بازسازی، هنوز برخی باور نداشتند این خانه بتواند به کتابخانه‌ای واقعی تبدیل شود. اما دخترها می‌دانستند کتابخانه تنها با قفسه و کتاب زنده نمی‌شود. به توصیه عالیه حافظی، نخست خودشان کتاب خواندند، درباره آن گفت‌وگو کردند، برای کودکان قصه گفتند و آن‌ها را با دنیای کتاب آشنا کردند.

نتیجه، فراتر از انتظار بود. کودکانی که ابتدا از سر کنج‌کاو وارد خانه می‌شدند، کم‌کم به اعضای ثابت کتابخانه تبدیل شدند؛ کتاب امانت می‌گرفتند، دوباره بازمی‌گشتند و دوستانشان را نیز همراه خود می‌آوردند. خانه‌ای که روزگاری متروک بود، آرام‌آرام به بخشی از زندگی روزمره کودکان گیاهدان تبدیل شده است.

## وقت اعتماد، سقف یک خانه شد

با جان گرفتن «کتابخانه آرمانا»، اثر این حرکت به دیوارهای خانه قدیمی محدود نماند. آنچه روزی برای برخی رؤیایی دور از دسترس به نظر می‌رسید، به نمونه‌ای از مشارکت اجتماعی نوجوانان تبدیل شد. آن‌ها با پیگیری خود زمینه همکاری این مجموعه با کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان را فراهم کرد؛ همکاری‌ای که با اهدای کتاب آغاز شد و به اجرای برنامه‌های مشترک فرهنگی، از جمله نخستین برنامه «روستاگردی» در خانه مانا، انجامید.

اما مهم‌ترین دستاورد این دو سال را نمی‌توان با تعداد کتاب‌ها یا برنامه‌های فرهنگی سنجد. فاطمه نیک‌بین از «اعتماد» به‌عنوان بزرگ‌ترین سرمایه این مسیر یاد می‌کند؛ اعتماد خانواده‌هایی که به دخترانشان مسئولیت سپردند، اعتماد کودکانی که کتابخانه را خانه خود می‌دانند و مهم‌تر از همه، اعتمادی که خود این نوجوانان، از همان روزی که تصمیم گرفتند منتظر نمانند، به توانایی‌هایشان داشتند.

امروز، کودکان گیاهدان راه خانه مانا را در پیش می‌گیرند. بعضی کتابی را که از قبل امانت گرفته‌اند پس می‌آورند، بعضی برای شنیدن قصه‌ای تازه می‌آیند و بعضی فقط می‌خواهند ساعتی را کنار دوستانشان بگذرانند. شاید هیچ‌کدام ندانند این خانه روزگاری متروک بوده یا قفسه‌هایش با درآمد فروش کاغذهای بازیافتی و تلاش چند دختر نوجوان جان گرفته است. شاید هم لازم نباشد. همین که هر روز در این خانه به روی کودکی باز می‌شود، یعنی رویایی که روزی از یک کلاس کوچک آغاز شد، هنوز ادامه دارد.

منا هاشمی، نسیبه دریانورد و نالله تورنگ تصمیم گرفتند منتظر نمانند و خود دست به کار شوند. فرصت با برگزاری جشنواره دانش‌آموزی روستا فراهم شد. آن‌ها غرفه‌ای با موضوع محیط‌زیست و با نام «ژئومانا» برپا کردند و با همراهی عالیه حافظی و همکاری متخصصان ژئوپارک جهانی قشم، آن را به تجربه‌ای آموزشی برای بازدیدکنندگان تبدیل کردند. در پایان جشنواره، تابلویی از جزیره قشم که با پاپیه‌ماشه و مواد بازیافتی ساخته بودند، به مزایده گذاشته شد. درآمد حاصل از فروش تابلو، صرف خرید کتاب شد؛ تصمیمی که رؤیای ایجاد یک کتابخانه را از یک ایده به نخستین گام عملی تبدیل کرد.



## ساختن، بجای انتظار

اندکی پیش از برگزاری جشنواره، یکی از اعضای گروه از خانه‌ای قدیمی در بافت تاریخی گیاهدان گفت؛ خانه‌ای که سال‌ها پیش مکتب‌خانه بود و مدت‌ها متروک مانده بود. وقتی خانواده مالک پذیرفتند آن را در اختیار نوجوانان بگذارند، رؤیای داشتن یک پایگاه فرهنگی، شکل واقعی به خود گرفت.

خانه، فرسوده و خاک‌گرفته بود. دخترها برای مرمت و تجهیز آن از مسئولان کمک خواستند، اما وعده‌ها به نتیجه نرسید. اینجا همان نقطه‌ای بود که آموزش «مانا» به آزمون عمل تبدیل شد؛ میان انتظار کشیدن و دست به کار شدن، راه دوم را انتخاب کردند. آن‌ها خودشان خانه را پاکسازی و آماده کردند و برای کارهای فنی از همراهی خانواده‌ها بهره گرفتند. در این میان، علی تخت‌دار، پدر بزرگ یکی از اعضای گروه، بی‌هیچ چشمداشتی بخش مهمی از تعمیرات ساختمان را بر عهده گرفت. هزینه‌های بازسازی نیز از راه جمع‌آوری و بازیافت کاغذهای باطله و درآمد فروش تابلوی «ژئومانا» تأمین شد؛ درآمدی که صرف خرید نخستین کتاب‌ها و تجهیزات کتابخانه شد.

کار بازسازی هم‌زمان با روزهایی پیش رفت که کشور درگیر جنگ بود. با وجود نگرانی‌ها، اعضای گروه هر روز در خانه جمع می‌شدند، قفسه‌ها را



اگر امروز در خانه‌ای قدیمی در بافت تاریخی روستای گیاهدان را باز کنید، با کودکانی روبه‌رو می‌شوید که در میان قفسه‌های کتاب غرق مطالعه‌اند. خانه‌ای که سال‌ها متروک بود، امروز «خانه مانا» نام دارد و قلب تپنده آن «کتابخانه آرمانا» است؛ جایی که نه با بودجه‌های کلان، بلکه با اراده چند دختر نوجوان جان دوباره گرفت.

گیاهدان در جزیره قشم بیشتر با بازار لوازم خانگی‌اش شناخته می‌شود، اما چند قدم آن‌سوتر، روایتی شکل گرفته که نشان می‌دهد گاهی بزرگ‌ترین تغییرها از یک کلاس آموزشی آغاز می‌شوند. داستان «خانه مانا» پیش از آنکه روایت احیای یک خانه یا راه‌اندازی یک کتابخانه باشد، روایت اثر یک آموزش است؛ آموزشی که نوجوانان را از مخاطب کلاس به کنشگر اجتماعی تبدیل کرد.

حدود دو سال پیش، دوره «مشارکت اجتماعی نوجوانان ایران» (مانا) در گیاهدان برگزار شد؛ دوره‌ای که نوجوانان در آن آموختند مسائل جامعه خود را شناسایی کنند، برای حل آن‌ها برنامه‌ریزی کنند و سهمی در تغییر داشته باشند. فاطمه نیک‌بین، مسئول امروز خانه مانا، از شرکت‌کنندگان همین دوره بود. او می‌گوید آنجا برای نخستین‌بار فهمیدند نوجوان بودن به معنای منتظر ماندن نیست و می‌توان با امکانات محدود نیز برای آینده روستا قدم برداشت.

در این دوره، حدود ۶۰ نوجوان در سه گروه سنی آموزش دیدند. گروه دختران پس از بررسی نیازهای روستا، نبود فضایی برای فعالیت‌های فرهنگی نوجوانان را مهم‌ترین مسئله تشخیص دادند. آن‌ها با برگزاری جلسه، گفت‌وگو با مسئولان و ارائه درخواست، ایجاد یک پایگاه فرهنگی را پیگیری کردند، اما نتیجه‌ای جز وعده نگرفتند.

با پایان دوره، بسیاری تصور کردند این مطالبه نیز به فراموشی سپرده خواهد شد، اما هسته‌ای از دختران شامل الهام زارعی، مرضیه نیک‌بین، یمناتیما، محدثه نیک‌بین، فاطمه نیک‌بین،



«نبض هرمزگان»

## وقتی منابع عمومی زیر ذره بین می‌روند

ورود دستگاه قضایی به موضوع واگذاری ۱۲۰ قطعه زمین در شهرک بهارستان قشم، یکی از مهم‌ترین اخبار هفته هرمزگان بود؛ نه فقط به دلیل یک پرونده محلی، بلکه به دلیل اهمیت موضوع زمین در جزیره‌ای که طی سال‌های اخیر با افزایش ارزش اراضی و رشد تقاضا برای سکونت و سرمایه‌گذاری مواجه بوده است.

تاکید دادستانی بر ضرورت رعایت تشریفات قانونی، قیمت‌گذاری کارشناسی و برگزاری فراخوان عمومی، بار دیگر این پرسش را پیش روی مدیریت مناطق آزاد قرار می‌دهد که منابع عمومی چگونه باید مدیریت شوند تا ضمن حمایت از توسعه، اعتماد عمومی نیز حفظ شود.

**توسعه صنعتی؛ میان اقتصاد و محیط زیست**  
تصمیم کمیسیون ماده ۱۱ قانون هوای پاک هرمزگان درباره بررسی درخواست‌های استقرار ۱۰ واحد صنعتی، یکی دیگر از رویدادهای قابل توجه هفته بود. هرمزگان به عنوان یکی از قطب‌های صنعتی و انرژی کشور، همواره با این پرسش مواجه است که مسیر توسعه صنعتی چگونه باید طی شود تا هزینه‌های زیست‌محیطی آن بر دوش مردم و طبیعت استان قرار نگیرد.

رعایت ضوابط جانمایی صنایع، موضوعی فراتر از یک تصمیم اداری است و مستقیماً با سلامت عمومی و آینده توسعه استان ارتباط دارد.

**کشاورزی رودان؛ تولید زیر فشار هزینه‌ها**  
مطالبه کشاورزان رودانی درباره نحوه محاسبه آب‌بها و تعرفه برق کشاورزی، بازتابی از یکی از چالش‌های جدی اقتصاد تولید در هرمزگان است. در شرایطی که کشاورزی بخش مهمی از اشتغال و معیشت برخی مناطق استان را تامین می‌کند، سیاست‌های حمایتی باید به گونه‌ای باشد که هزینه‌های تولید، توان ادامه فعالیت را از بهره‌برداران نگیرد.

**روستاها و ضرورت درآمد پایدار**  
بررسی تخصیص اراضی برای اجرای طرح‌های درآمدزای دهیاری‌ها نیز از جمله موضوعاتی است که اهمیت آن فراتر از یک نشست کارشناسی است. بسیاری از روستاهای هرمزگان برای توسعه خدمات و اجرای برنامه‌های عمرانی، نیازمند منابع مالی پایدار هستند و حرکت به سمت اقتصاد روستا می‌تواند بخشی از این وابستگی را کاهش دهد.

در مجموع، اخبار این هفته هرمزگان یک محور مشترک داشتند؛ نحوه مدیریت منابع و ظرفیت‌های استان. از زمین‌های قشم تا صنایع بزرگ، کشاورزی و روستاها، آینده توسعه هرمزگان بیش از هر چیز به شفافیت، برنامه‌ریزی و توجه همزمان به اقتصاد و حقوق عمومی وابسته است.



## نوآوری اجتماعی؛ وقتی «مردم» بخشی از «راه‌حل» می‌شوند

بخش دوم

طرح «خیرآب» در بخش دوم روایت خود، با تکیه بر مشارکت مردم، دانش بومی و فناوری، مدلی از نوآوری اجتماعی برای مدیریت پایدار آب در جنوب کشور ارائه می‌کند.

جنوب ایران در سازگاری با اقلیم خشک هستند. این سازه‌ها فقط آب ذخیره نمی‌کنند؛ بلکه دانش، فرهنگ، آیین‌های مشارکت، سنت وقف، همیاری اجتماعی و شیوه زندگی مردم را نیز در خود حفظ کرده‌اند.

به گفته دشتی‌زاده، هرگونه برنامه‌ریزی برای احیای برکه‌ها، زمانی موفق خواهد بود که همزمان به ابعاد فرهنگی و اجتماعی آنها نیز توجه شود. اگر مردم احساس کنند برکه فقط یک پروژه عمرانی است، ارتباط عاطفی و تاریخی خود را با آن از دست می‌دهند؛ اما وقتی برکه دوباره به بخشی از زندگی روزمره و هویت روستا تبدیل شود، حفاظت از آن نیز به یک مسئولیت اجتماعی تبدیل خواهد شد.

این پژوهشگر و نویسنده تاکید می‌کند که مطالعات مردم‌شناسی، پایه اصلی طراحی پروژه در طرح خیرآب برکه‌های باران بوده است؛ زیرا بدون شناخت الگوهای استفاده مردم از آب، نظام‌های سنتی مدیریت منابع و شیوه‌های مشارکت اجتماعی، امکان ارائه یک راهکار پایدار وجود نداشت.

او در ادامه توضیحاتش می‌گوید؛ همین رویکرد موجب شد کلیت طرح بر اساس مشاوره علمی و حمایت معنوی «مرکز مطالعات منطقه‌ای پاسداری از میراث فرهنگی ناملوس در آسیای غربی و مرکزی تحت نظارت یونسکو» شکل بگیرد و از مرحله ایده تا اجرا، آخرین، دهیاری، شورای اسلامی، متخصصان و اعضای جامعه محلی در کنار یکدیگر قرار گیرند.

دشتی‌زاده معتقد است تجربه گردبان نشان داده است که حفاظت از میراث فرهنگی، زمانی موفق خواهد بود که بتواند به بهبود کیفیت زندگی مردم نیز کمک کند؛ رویکردی که امروز در ادبیات توسعه پایدار، از آن با عنوان «توسعه جامعه‌محور» یاد می‌شود.

**پلی میان گذشته و آینده برای حل مساله امروز**  
بررسی تجربه باز زنده‌سازی برکه‌های روستای گردبان نشان می‌دهد که در این پروژه، گذشته و آینده در تقابل با یکدیگر قرار نگرفته‌اند؛ بلکه دانش بومی، فناوری، معماری، مردم‌شناسی و مشارکت اجتماعی در کنار هم قرار گرفته‌اند تا پاسخی تازه به یکی از قدیمی‌ترین مسائل جنوب ایران ارائه دهند. اما اگر پژوهش و نوآوری، پایه‌های فکری این تجربه را شکل داده‌اند، آنچه این اندیشه را به واقعیت تبدیل کرده، معماری، طراحی فضا و حضور مردم در متن پروژه بوده است؛ روایتی که در بخش سوم این گزارش تحقیقی، از زبان طراحان و دست‌اندرکاران بخش اجرایی از بدنه جامعه محلی پروژه بازگو خواهد شد.

(ادامه را در شماره‌های بعدی مغستان بخوانید)

اجرایی در کنار جامعه محلی قرار گیرند و هر کدام بخشی از مسئولیت را بر عهده بگیرند.

به گفته مدیر طرح خیرآب، همین مدل مشارکتی بود که باعث شد ایده‌ای که روی کاغذ شکل گرفته بود، به یک تجربه عملی تبدیل شود.

### ظرفیتی که سال‌ها نادیده گرفته شد

نتایج مطالعات میدانی، تصویری متفاوت از وضعیت منابع آب سنتی جزیره ارائه می‌دهد. ده‌دار در ادامه می‌گوید: بر اساس برآوردهای اولیه ما که ۵۰۰ برکه باران هنوز قابلیت بهره‌برداری دارند. این ظرفیت، یک سرمایه ملی برای باز زنده‌سازی میراث آب خلیج فارس است؛ سرمایه‌ای که اگر با فناوری‌های نوین تصفیه آب و مدیریت علمی همراه شود، می‌تواند نقش مهمی در افزایش تاب‌آوری جزیره در برابر بحران جهانی تغییر اقلیم و چالش بزرگ تنش آبی ایفا کند.

او تاکید می‌کند که اهمیت این تجربه، تنها به قشم محدود نمی‌شود. در بخش‌های وسیعی از استان هرمزگان، جنوب استان فارس و همچنین بخش اعظم استان بوشهر، هنوز هم بخش قابل توجهی از آب آشامیدنی مردم از برکه‌های باران تامین می‌شود. بنابراین اگر تجربه روستای گردبان بتواند به یک الگوی اجرایی تبدیل شود، قابلیت تعمیم به بسیاری از مناطق جنوبی کشور در زمینه حل مساله تنش آبی را خواهد داشت.

به اعتقاد این پژوهشگر حوزه نوآوری اجتماعی و مدیر ابتکار «خیرآب»، آینده مدیریت آب در مناطق خشک و کم آب جنوب ایران، صرفاً در توسعه فناوری‌های جدید مثل آبشیرینکن‌ها و تاسیسات عظیم نمک‌زدایی خلاصه نمی‌شود، بلکه باید میان دانش بومی مدیریت آب و فناوری‌های نوین، پیوند هویتی و عملکردی برقرار کرد؛ زیرا هر دو در حل مساله تنش آبی، مکمل یکدیگر هستند.

### مردم‌شناسی؛ حلقه مفقوده نظام فعلی مدیریت آب

در کنار مطالعات فنی، یکی از مهم‌ترین پایه‌های شکل‌گیری طرح، پژوهش‌های مردم‌شناسی و میراث فرهنگی بود. عبدالرضا دشتی‌زاده، باستان‌شناس، پژوهشگر مردم‌شناسی و نویسنده کتاب «میراث آب جزیره قشم»، معتقد است برکه‌های باران را نمی‌توان تنها به عنوان یک سازه مهندسی تحلیل کرد.

او می‌گوید: برکه‌ها حاصل قرن‌ها تجربه مردم



اگر بخش نخست روایت نشریه «مغستان» درباره تجربه موفق طرح، شاهد ابتکار باز زنده‌سازی برکه‌های باران در جزیره قشم مربوط به احیای یک برکه در روستای درگیر با تنش شدید آبی یعنی «گردبان» بود، بخش دوم این اقدام نوآورانه، روایت شکل‌گیری یک اندیشه «حل مساله» است؛ اندیشه‌ای که تلاش می‌کند پاسخ به مسئله آب را نه فقط در توسعه زیرساخت‌ها، بلکه در مشارکت مردم، بازخوانی دانش بومی و هم‌افزایی میان فناوری و جامعه جست‌وجو کند.

مهدی ده‌دار، مدیر طرح «خیرآب» و مشاور تحقیق و توسعه فناوریانه شرکت آب، برق و تاسیسات منطقه آزاد قشم، معتقد است نقطه آغاز این مسیر، تغییر نگاه به مسئله آب بود. او می‌گوید: ما از خودمان پرسیدیم چرا باوجود صدها برکه تاریخی که هنوز در بسیاری از روستاهای قشم مورد استفاده قرار می‌گیرند، همه راه‌حل‌ها را در ساخت تاسیسات جدید جست‌وجو می‌کنیم؟ آیا نمی‌توان ظرفیت‌های بومی را با فناوری روز پیوند زد و از دل آنها راه‌حل‌های پایدار استخراج کرد؟

به گفته او، پاسخ به این پرسش، تیم پروژه را وارد چهار سال مطالعه، پژوهش میدانی، گفت‌وگو با مردم، بررسی کیفیت آب، شناخت معماری بومی و طراحی یک مدل اجرایی کرد؛ مدلی که بعدها با عنوان «باز زنده‌سازی برکه‌های باران» شناخته شد.

ده‌دار معتقد است آنچه در گردبان اتفاق افتاده، بیش از آنکه یک پروژه عمرانی باشد، نمونه‌ای از نوآوری اجتماعی است. نوآوری اجتماعی یعنی مردم فقط بهره‌بردار پروژه نباشند؛ بلکه در تعریف مسئله، طراحی راه‌حل، اجرای پروژه و نگهداری آن نقش داشته باشند. اگر جامعه محلی خود را صاحب یک پروژه نداند، هیچ زیرساختی پایدار نخواهد ماند.

وی تاکید می‌کند که در طرح «خیرآب»، از همان ابتدا تلاش شد خیران، دهیاری، شورای اسلامی، پژوهشگران، معماران، تسهیل‌گران توسعه روستایی، شرکت‌های دانش‌بنیان و دستگاه‌های

## لیگ یک در قشم ماند

حفظ سهمیه لیگ دسته اول فوتبال کشور برای قشم، فقط ماندگاری یک تیم در جدول رقابت‌ها نیست؛ بلکه فرصتی برای تثبیت جایگاه ورزشی جزیره و برنامه‌ریزی برای آینده فوتبال این منطقه به شمار می‌رود.

امتیاز لیگ یکی باشگاه شناورسازی پی‌پشت قشم با واگذاری از سوی برادران افتخاری، مالکان این باشگاه، به سازمان منطقه آزاد قشم منتقل شد تا حضور نماینده جزیره در دومین سطح فوتبال کشور ادامه یابد.

این اتفاق در شرایطی رقم خورد که پیش از این، نگرانی‌هایی درباره خروج سهمیه لیگ یک از هرمزگان وجود داشت. تیرماه ۱۴۰۴، محمد آشوری تازیانی، استاندار هرمزگان، با اشاره به جایگاه تیم شناورسازی پی‌پشت به عنوان تنها تیم روستایی کشور راه‌یافته به لیگ دسته اول، بر ضرورت حفظ این امتیاز در استان تاکید کرده بود.

اکنون با انتقال مالکیت این تیم به سازمان منطقه آزاد قشم، علاوه بر حفظ یک سهمیه ارزشمند ورزشی، فرصتی برای بازتعریف مسیر فوتبال جزیره فراهم شده است. علیرضا کلایی،

مدیرعامل سازمان منطقه آزاد قشم، اعلام کرده است که استفاده از استعدادهای بومی جزیره و استان هرمزگان در جذب بازیکنان و کادر فنی، در اولویت برنامه‌های این تیم قرار خواهد داشت و هدف نهایی، ساخت تیمی قدرتمند و حرکت به سمت صعود به لیگ برتر است.

ماندگاری در لیگ یک تنها به حفظ امتیاز محدود نمی‌شود. توسعه زیرساخت‌های ورزشی، توجه به فوتبال پایه، حمایت از بازیکنان بومی و ایجاد یک ساختار مدیریتی پایدار است که می‌تواند این فرصت را به مسیری ماندگار برای فوتبال هرمزگان تبدیل کند.





سال گذشته، در مراسم روز خبرنگار، ساجده چهارساله به جای پدرش روی صحنه رفت؛ دختری کوچک که با قلبی بزرگ و سرشار از احساس، هدیه پدر خبرنگارش را در آغوش گرفت. این لحظه، فقط یک تصویر نیست؛ روایتی است از پشت صحنه زندگی خبرنگاری. از پدری که در بسیاری از روزها و بحران‌ها، میان خانه و خبر، خبر را انتخاب می‌کند و از خانواده‌ای که سهمشان از این انتخاب، انتظار، دل‌نگرانی است. این قاب، یادآور حقیقتی ساده اما عمیق است؛ خبرنگاری فقط شغل یک فرد نیست، مسئولیتی است که بار آن بر دوش یک خانواده نیز سنگینی می‌کند. در روز خبرنگار، ما نه فقط به اصحاب رسانه، که به خانواده‌هایشان نیز ادای احترام می‌کنیم؛ به آنان که بی‌صدا، پشتوانه راویان حقیقت‌اند. این قاب، ادای احترامی است به خانواده‌های خبرنگاران؛ همراهانی صبور، خاموش و ماندگار که سهمشان در روایت حقیقت، کمتر از راویان آن نیست.

## سرنوشت وعده‌ها؛ از روز خبرنگار تا روز خبرنگار

هر سال با فرارسیدن هفدهم مرداد، وعده حمایت از رسانه‌ها دوباره تکرار می‌شود؛ وعده‌هایی که قرار بود گرهی از دغدغه‌های خبرنگاران قشم باز کنند، اما پس از سال‌ها همچنان در فاصله میان سخن و عمل باقی مانده‌اند.



شنیدن وعده‌ای تازه باشد، چشم‌انتظار پاسخ به وعده‌های گذشته است. شاید هفدهم مرداد امسال، بیش از آنکه فرصتی برای اعلام برنامه‌های جدید باشد، زمانی برای مرور عملکرد گذشته باشد؛ نه برای ارائه فهرستی از اقدامات انجام‌شده، بلکه برای پاسخ به چند پرسش ساده اما مهم: چه کارهایی می‌توانست انجام شود و نشد؟ کدام فرصت‌ها از دست رفت؟ و کدام وعده‌ها همچنان در انتظار تحقق مانده‌اند؟

شاید صادقانه‌ترین تقدیر از خبرنگاران قشم، نه برگزاری مراسمی دیگر، نه اهدای لوحی دیگر و نه وعده‌ای تازه باشد؛ بلکه پذیرفتن مسئولیت وعده‌هایی است که سال‌هاست در حافظه رسانه‌ای این جزیره باقی مانده‌اند.

خبرنگاران قشم را سختی‌های این مسیر خسته نمی‌کند؛ آنان سال‌هاست با کمبودها، محدودیت‌ها و دشواری‌های این حرفه کنار آمده‌اند. آنچه خسته‌کننده شده، تکرار وعده‌هایی است که هر سال شنیده می‌شوند، اما هیچ‌گاه به مقصد نمی‌رسند.

در روز خبرنگار سال گذشته نیز این مطالبات بار دیگر مطرح شد و مسئولان از برنامه‌های حمایتی سخن گفتند. فرماندار قشم از تدوین برنامه‌ای برای حمایت‌مندی و معنوی از خبرنگاران خبر

داد و بر استمرار آن‌ها فارغ از تغییر مدیران تاکید کرد. مدیرکل فرهنگ و ارشاد اسلامی منطقه آزاد قشم نیز از ساماندهی رسانه‌ها، راه‌اندازی خانه مطبوعات، تقویت اقتصاد فرهنگ و رسانه، تشکیل حلقه مشورتی رسانه‌ای و برگزاری دوره‌های آموزشی سخن گفت.

این وعده‌ها می‌توانست آغاز مسیری تازه باشد؛ اما امروز، در آستانه روز خبرنگار دیگری، همان پرسش قدیمی دوباره مطرح است: سرنوشت آن وعده‌ها چه شد؟

مسئله این نیست که همه مشکلات یک حوزه در مدت کوتاهی حل شود. مسئله این است که وقتی یک مطالبه سال‌ها تکرار می‌شود، دیگر نمی‌توان آن را صرفاً یک دغدغه صنفی دانست؛ بلکه باید آن را نشانه‌ای از خلأ مدیریتی در تبدیل وعده‌ها به اقدام تلقی کرد.

رسانه‌های قشم نیز مانند هر بخش دیگری از جامعه، نیازمند گفت‌وگو، همراهی و حمایت هستند؛ اما بیش از همه، نیاز دارند وعده‌ها از مرحله سخن عبور کرده و به برنامه، زمان‌بندی و اقدام مشخص تبدیل شوند.

امروز جامعه رسانه‌ای قشم بیش از آنکه منتظر

«چهره»

## تئاتر؛ نیازی که هنوز احساس نشده

پشت صحنه تئاتر قشم، هنرمندانی همچون علیرضا احدی ایستاده‌اند که می‌کوشند این هنر از یک برنامه مناسبتی، به بخشی از زندگی فرهنگی مردم تبدیل شود.

او در پایان، مهم‌ترین آرزوی خود برای آینده تئاتر قشم را تبدیل شدن تئاتر به یک نیاز فرهنگی در زندگی مردم عنوان می‌کند؛ روزی که سالن‌های نمایش همواره مملو از تماشاگر باشند، خانواده‌ها تماشای تئاتر را در برنامه زندگی خود قرار دهند و هنرمندان نیز با آسودگی خاطر تنها به خلق اثر بپردازند. احدی معتقد است

قشم ظرفیت تبدیل شدن به یکی از قطب‌های مهم تئاتر جنوب کشور را دارد؛ ظرفیتی که با همراهی مردم، هنرمندان و مسئولان می‌تواند به واقعیت تبدیل شود.



کاستی‌هایش را بشناسد و امید را بازآفرینی کند. به اعتقاد او، اگر یک نمایش بتواند حتی نگاه یک نفر را نسبت به زندگی، انسانیت یا مسئولیت اجتماعی تغییر دهد، به رسالت واقعی خود دست یافته است.

اگر اختیار تصمیم‌گیری در حوزه فرهنگ و هنر را در اختیار داشت، نخستین اقدام خود را سرمایه‌گذاری بر آموزش و کشف استعدادهای جوان قرار می‌داد. احدی بر این باور است که آینده هنر قشم

در گرو تربیت نسل تازه‌ای از هنرمندان است و این هدف، با برگزاری مستمر کارگاه‌های تخصصی، افزایش اجراهای عمومی و کاهش دغدغه‌های مالی گروه‌های نمایشی دست‌یافتنی خواهد بود. او معتقد است هنرمندی که فرصت دیده شدن و رشد داشته باشد، با انگیزه بیشتری خلق اثر می‌کند و نتیجه آن، پویایی فضای فرهنگی جزیره خواهد بود.

در میان تجربه‌های هنری، نمایش «مجادله با او که در می‌زند» بیش از هر اثر دیگری نگاه او را به زندگی تغییر داده است؛ نمایشی که نویسندگی و کارگردانی آن را نیز بر عهده داشته است. به گفته او، روایت زوجی که درگیر اختلافات روزمره هستند و ناگهان با حضور مرگ روبه‌رو می‌شوند، بیش از آنکه برای مخاطب تلنگر باشد، برای خود او یادآور ارزش لحظه‌های زندگی و قدرشناسی از انسان‌های نزدیک بوده است.

گفت‌وگو با علیرضا احدی، فعال حوزه تئاتر جزیره قشم: برای علیرضا احدی، تئاتر تنها یک حرفه یا هنر نمایشی نیست؛ مسیری است که از نخستین تجربه حضور روی صحنه، به بخشی از هویت او تبدیل شده است. او معتقد است تئاتر بیش از آنکه انتخاب او باشد، خود این هنر او را برگزیده؛ فضایی که در آن می‌تواند با مخاطب ارتباط برقرار کند، احساسات او را درگیر سازد و فرصتی برای اندیشیدن فراهم آورد. همین باور سبب شده است که با وجود دشواری‌های این مسیر، همچنان با انگیزه در عرصه تئاتر فعالیت کند و بخشی از توان خود را صرف رشد تئاتر قشم و حمایت از استعدادهای جوان این جزیره کند.

احدی مهم‌ترین مانع توسعه تئاتر در قشم را نه کمبود امکانات، بلکه نبود استمرار در آموزش و سرمایه‌گذاری بر نیروی انسانی می‌داند. به باور او، استعدادهای فراوانی در جزیره وجود دارد که برای شکوفایی به آموزش تخصصی، تمرین مستمر، تجربه صحنه و حمایت نیاز دارند. او تأکید می‌کند که فراهم شدن فرصت‌های بیشتر برای اجرا، حضور در جشنواره‌ها و برگزاری کارگاه‌های آموزشی می‌تواند جایگاه تئاتر قشم را در سطح استان و کشور ارتقا دهد؛ هرچند معتقد است خود هنرمندان نیز باید همواره در مسیر یادگیری و ارتقای توانایی‌هایشان گام بردارند.

از نگاه این بازیگر و کارگردان، رسالت اصلی تئاتر در جامعه امروز، واداشتن مخاطب به اندیشیدن است. او می‌گوید تئاتر تنها برای سرگرمی نیست، بلکه می‌تواند آینه‌ای باشد که جامعه در آن خود را ببیند،